

قسمت پنجم: نکاتی برای معامله گران تازه کار و مبتدی

تصویر کلی در معامله گری چیست؟ خیلی ساده است در حمایت میخریم و در مقاومت میفروشیم اگر خریده اید منتظر باشید تا به مقاومت برسد و بعد خارج می شوید که این منجر به شکل گیری پولبک می شود و اگر بازار به حرکت صعودی ادامه بدهد و به مقاومت بالاتر برسد آنگاه شما می فروشید اگر در بازار نزولی فروخته اید باید منتظر باشید که در حمایت بخرید اگر هم معامله ای نکرده اید و بازار به حمایت می رسد آن گاه باید بخرید و اگر به مقاومت میرسید باید بفروشید این یک راز نیست تلویزیون را روشن کنید و فست مانی ، آپشن اکشن ، مانی ایموشن ، فاکس بیزنس و سی ان بی سی را ببینید و به معامله گران گوش کنید در طول روز در این مورد صحبت می کنند که مثلاً بازار تا سطح حمایت پایین آمده و شکاف داره ولی در سطح حمایت هست و احتمالاً بخرم یا اینکه شکست نزولی داشتیم ولی الان در حال افزایش است و داره سطح شکست را تست می کنه و به نظرم بفروشم اصلاً نمی گویند که مثلاً یک ابر پوششی سیاه یا ستاره صبحگاهی یا هارامی دیده اند آنها در مورد الگوهای شمعی صحبت نمی کنند بلکه در مورد حمایت و مقاومت صحبت میکنند ، گاهی اوقات میشنوید که میگویند بازار قوی است پس من میخرم یا کال آپشن میخرم در بازار صعودی بازار در حال رشد است وقتی شکست صعودی ببینند می خرند در مقاومت نمیفروشند چون مقاومت به زودی شکسته خواهد شد و به دنبال هر دلیلی برای خرید هستند در شمع نزولی و صعودی قوی می خرند اهمیت نمی دهند و می دانند که بازار داره میره بالا احتمالاً بالاتر خواهد رفت پس میخرم در یک شکست نزولی قوی هم به الگوهای شمعی اهمیت نمی دهند ، در چنین حالتی می فروشند چون می دانند که بازار پایین تر خواهد رفت و مطمئن هستند که حمایت ها شکسته میشوند و بازار همینطور پایین و پایین تر خواهد رفت و به دنبال هر دلیلی هستند که بفروشند و به ندرت می شنوید که در مورد الگوهای شمعی صحبت کنند پس اینکه در کجای سیکل بازار هستیم قدرت بازار و شمع های در سمت چپ چارت همگی از الگوهای شمعی مهمتر هستند.

مدیریت کلید اصلی است اکثر اوقات شما در حمایت میخرید و در مقاومت میفروشید در زمان شکست که ۵ درصد از مواقع رخ میدهد شما سعی میکنید به سرعت و به هر دلیلی وارد بازار بشوید فرض کنیم بازار در یک شکست صعودی قوی است و ایست ضرر خیلی فاصله دارد یعنی ریسک بالایی دارید پس می ترسید بخرید در چنین حالتی یا حجم خیلی کمی معامله کنید و یا از آپشن استفاده کنید آپشن یک

جایگزین برای معاملات با ایست ضرر خیلی بزرگ است در این حالت ریسک کنترل میشود بعضی مواقع می شنوید که معامله گران خریدند و بازار رشد کرده و آنها از ایست ضرر خود خیلی فاصله گرفته اند و نمی خواهند آنقدر ریسک کنند پس میتواند سهام خود را به آپشن تغییر دهند پس سهام را می فروشند و سود میکنند و بعد کال آپشن میخرند چون ایست ضرر که در آخرین سقف و کف است خیلی دور شده و آنها نمی خواهند آنقدر ریسک کنند ، تازه واردها همیشه میخواهند معامله گری ساده باشند.

ال بروکس چرا به من نمی گویی که یک معامله خوب چه معامله ای هست؟ چرا بهترین ستاپ را به من نمی گویی؟ می خواهم پول در بیارم و میخواهم سخت کار کنم و درس میخوانم لیاقت پول درآوردن را دارم. اما اینجوری نیست تازه واردها کم کم تشخیص می دهند که موسسات همیشه در دو طرف بازار هستند پس برای اینکه شما بتوانید بخرید باید یکی از موسسات به شما بفروشد و اگر می خواهید بفروشید باید یکی از موسسات از شما بخرد و موسسات هم در جهت خرید به هم در جهت فروش سود آور هستند ، چطور همیشه که وقتی یکی می فروشد و یکی می خرد هر دو میتواند سود کنند؟ روش های متفاوتی وجود دارد اما همه آنها برمیگردد به مدیریت معامله برای مثال اگر شما میخرید یه موسسه ای میفروشد ، ممکن است آنها بتوانند در قیمت بالاتر بفروشند یا ممکن است در حال پوشش ریسک و جبران پوزیشن در یک بازار دیگر باشند شما نمی دانید، نکته اصلی اینه که معامله گری راحت نیست و همیشه سخت خواهد بود چون میخواهید پول را از دست موسسات در بیاورید و موسسات سود آور هستند و اینکه موسسات در هر دو طرف معامله قرار دارند پس مارجین همیشه کوچک خواهد بود.

تازه وارد ها به دنبال یک سیگنال جادویی هستند که اکثر مواقع کار کند و ریسک کمی داشته باشد بهش فکر کنید اگر شما بخواهید بخرید و بازدهی بالا و ریسک کمی داشته باشید و احتمال موفقیت معامله هم بالا باشد آنگاه باید یک موسسه در طرف دیگر معامله باشد و موسسات این کار را نمیکنند بنابراین از آنجا که موسسات طرف مقابل شما نخواهد بود و داوطلبانه به شما پول نخواهند داد پس یک معامله کامل و عالی وجود نخواهد داشت. معامله گران این گونه فکر می کنند که در طول زندگی شان هر موقع سخت تلاش کرده اند به پول رسیدند پس اگر در این بازارها هم سخت تلاش کنند پس به پول میرسند فرض کنیم آن ها مبل می سازند و بعد از ساخت یک مبل به دستمزد خود میرسند و اگر ۱۰ مبل بسازند دستمزد آنها ۱۰ برابر خواهد بود ، اما بازارهای مالی این گونه نیست یعنی پول درآوردن شما به

خاطر این نیست که سخت تلاش میکنید پس هر چقدر می خواهید بخوانید و هر چقدر میتوانید منظم باشید اما همچنان لیاقت پول درآوردن را نخواهید داشت مثل یک آدم چهل ساله که توپ بیسبال را پرت میکند که در طی سالهای کاری به درآمد رسیده و حالا به جای ۹۰ مایل در ساعت توپ را ۸۵ مایل در ساعت پرتاب میکند و بیرونش میکنند این آدم ۴۰ ساله میتواند تمام تلاشش را بکند اما دیگه درآمد نخواهد داشت چون این ماهیت بیزینس است ، معامله گری هم همین گونه است یعنی شما به خاطر سخت تلاش کردن پول نمی گیرید بلکه به خاطر خوب بودن پول میگیرید.

زندگی عادلانه نیست، مثلاً شما افرادی را در تلویزیون می بینید که ثروتمند هستند یا می شنوید که میگویند گلدمن ساکس و صندوقهای پوشش ریسک پولهای زیادی در می آورند به خودتون میگوید من هم لیاقت این را دارم که پول زیادی در بیاورم من هم انسان هستم و حقوق انسانی دارم من هم شایسته پول درآوردن هستم مخصوصاً اگر بخوایم سخت تلاش کنیم اما این درست نیست در معامله گری شما لیاقت هیچ چیز را ندارید یعنی هیچ کس ندارد و هر معامله ای که گلدمن ساکس انجام می دهد به خوبی معاملات قبلی است اگر آنها در هر معامله پشت سرهم ضرر کند آنگاه ورشکست میشوند پس همانطور که گفتم معامله عالی و کامل وجود ندارد در صورتی که تازه وارد ها همیشه به دنبال آن هستند.

مردم همیشه از من می پرسند که آل بهترین ستاپ چیست؟ بهترین ستاپ وجود ندارد چارت را ببینید بازار شبانه روز در حال معامله است این یعنی موسسات شبانه روز در حال خرید و فروش هستند و اگر کاری که آنها میکنند را بکنید میتوانید به پول برسید پس شبانه روز به دنبال خرید و فروش هستید وسیعی می کنید ستاپ هایی را پیدا کنید که به برتری شما منتج شود و بعد معامله را به گونه ای مدیریت می کنید که سود آور شوید اما در بهترین حالت برتری و سود شما کوچک خواهد بود پس اول از همه باید به اندازه کافی خوب باشید تا به برتری برسید یعنی وقتی کاری را ۱۰۰ مرتبه انجام بدهید احتمال سود کردن بالا باشد و این برتری را از معاملاتی بدست می آورید که احتمال کمی برای سود دهی دارند پس شما می توانید ۴۰ درصد از مواقع ضرر کنید و ۶۰ درصد از مواقع سود کنید و همچنان سود آور باشید سیستم معاملاتی شما باعث میشه که تعداد معاملات سودآور از معاملات زیان ده بیشتر شوند.

الگوهای شمعی یک نوع کلاهبرداری هستند من آن روز در گوگل سرچ میکردم که ببینم رقبای من در زمینه کورس آموزشی چگونه اند؟ و به نظر میرسد که همگی بر الگوهای شمعی تاکید میکنند انگار که

این روش درست برای پول درآوردن است در حالی که نیست ، به معامله گران در تلویزیون نگاه کنید آخرین باری که شنیده اید معامله گران در مورد الگوهای شمعی صحبت کند کی بوده؟ آنها در این مورد حرف نمی زنند. گلدمن ساکس و صندوقهای پوشش ریسک از الگوهای شمعی استفاده نمی کنند موسسات معاملات فرکانس بالا از تیک چارت استفاده میکنند و اصلاً الگوهای شمعی را نمی بینند شعار های تبلیغاتی مانند سودآوری و اینکه الگوهای شمعی شما را به بهشت می برند همگی برای این است که دوره های آموزشی خود را به فروش برسانند در صورتی که اینگونه نیست و امید واهی است معامله گران اینگونه پول در نمی آورند.

یک ستاپ از دو چیز تشکیل شده است اولی الگوهای شمعی است که به آن شمع سیگنال یا شمع های سیگنال هم گفته می شود دومی هم محل شکل گیری است که منظور همان قسمت سمت چپ نمودار می باشد که خیلی مهم تر از شمع سیگنال است برای مثال اگر بازار در یک روند صعودی خیلی قوی باشد اهمیتی ندارد که چه شمعی شکل می گیرد شما باید بخرید اگر شمع نزولی قوی داریم باید بخرید اگر شمع صعودی قوی هم داریم باید بخرید اگر شمع نزولی و صعودی ضعیف باشد هم باید بخریم یعنی آنچه در سمت چپ نمودار قرار دارد در الگوهای شمعی ارجحیت دارد ، از طرف دیگر اگر در یک روند صعودی قوی هستیم و شما می خواهید بفروشید، تنها زمانی این کار را بکنید که یک شمع نزولی خیلی قوی می بینید در اکثر مواقع وقتی تازه وارد هستید اصلاً نباید به این فکر کنید که در یک روند صعودی قوی بفروشید یا در یک روند نزولی قوی بخرید ضرر خواهید کرد سال ها زمان می برد که در معامله گری خوب بشوید یعنی برای چندین سال ضرر خواهید کرد خیلی ها برای همیشه ضرر می کنند اما پول زیاد ما را به هوس می اندازد که به ضریب تکاثر برسیم.

زمانی که جراح چشم بودم در یک زمان مشخص فقط یک جراحی می توانستم انجام بدهم و نه ده تا به عنوان معامله گر میتوانم یک قرارداد را معامله کنم اما می توانم ده یا صد تا قرارداد دیگر هم معامله کنم و همه برای پولدار شدن و سوسه می شوند به خاطر همین همه ما اینجا هستیم خیلی جالب هست و سودش خوبه و می خواهیم ببینیم که میتوانیم این کار را انجام بدهیم. میدونیم که افراد زیادی این کار را می کنند مثل گلدمن ساکس ، صندوقهای پوشش ریسک و... که خیلی پولدار هستند به خاطر همین همه ما اینجا هستیم یعنی احتمال میلیاردر شدن، ما را به این بازار جذب میکند و این خوبه اما باید به

خاطر داشته باشید که همه برای چند سال ضرر میکنند و بسیاری از معامله گران برای همیشه ضرر می کنند ، اگر به دنبال یک معامله عالی هستید و سودی می خواهید که شما را نجات دهد مطمئناً ضرر خواهید کرد تنها راه سود کردن این است که خودتون انجامش بدید یعنی آنقدر یاد بگیرید که بلاخره بتونید انجامش بدید سیستم های موفق را یاد بگیرید منظم باشید و هر روز کار درست انجام بدهید.

از چه نوع چارتی باید استفاده کنید؟ تکنیک های پرایس اکشن در همه چارتی قابل استفاده است چون تغییرات چارت از رفتار انسان نشأت می گیرد و هر چارتی این رفتار را نشان می دهد نقطه شروع برای بسیاری از معامله گران چارت ۵ دقیقه ای است و یا چارت ۱۵ دقیقه ای با فرض اینکه معاملات کوچکی انجام دهند افزایش ایست ضرر باعث نمی شود که پول زیادی در ریسک باشد ، قانون سر انگشتی برای تازه وارد ها و یا حرفه ای ها این است که از چارتی که در طی یک ساعت بیشتر از بیست کندل تشکیل میدهد استفاده نکنند مثلاً چارت ۳ دقیقه ای ، خیلی از معامله گران نباید از چارت ۳ دقیقه استفاده کنند و از تیک چارت ۲۰ تایی یا ۵۰۰ تایی برای سهام و یا چارت یک یا دو دقیقه ای هم نباید استفاده کنند.

چرا از تایم فریم های کوچک استفاده نکنیم؟ کامپیوترهای معاملات فرکانس بالا از کوچکترین تایم فریم ها استفاده می کند مثلاً از تیک چارت استفاده می کنند و خیلی هاشون هم پول های زیادی کسب می کنند ریسک خیلی کوچک است پس اگر سیستم سودآوری دارید چرا ده بار بیست بار و یا پنجاه بار در روز از آن استفاده نکنید ، به جای اینکه سه یا چهار و یا پنج بار در روز استفاده کنید.

شما میتوانید معاملات فرکانس بالا را به صورت دستی انجام بدهید. پال راتر صد ها معامله را در روز با دست انجام میدهد بعضی از وبسایت های روزانه هستند که پیشنهاد میکنند از چارت ۱ دقیقه یا تیک چارت ۲۰ تایی به معامله گری روزانه بر روی نفت خام یا پول بپردازید این همان معاملات فرکانس بالا است اگر روش هاتون خوب باشد می توانید تصور کنید این کاملاً درست است اما یک مشکلی وجود دارد. ۹۹ درصد از بهترین معامله گران از این روش استفاده میکنند و تا چندین سال نمی توانند به پول برسند و اگر شما چنین کاری کنید حسابتون به مرور خالی میشود چرا اینجوریه؟ چرا در چارت یک دقیقه ای معامله نکنیم؟ چارت یک دقیقه ای چه مشکلی دارد؟ ریسک خیلی کوچک است و این تازه وارد ها را جذب میکند چون آنها خیلی نگران ریسک هستند و وقتی چارت یک دقیقه ای را معامله می کنند ایست

ضرر خیلی نزدیک است به نقطه ورود پس ریسک کمتر میشود منطقی هم هست، اگر سیستم سودآوری دارید چرا ۲۰ بار ۵۰ یا ۱۰۰ بار در روز اجراش نکنید؟ می توانید پول بیشتری در بیاورید.

اما مشکل ، زمان است. تصمیم گیری برای انجام معامله، فرآیند زمان بری است تصمیم گیری در مورد نحوه مدیریت معاملات هم زمان بر است. و ذهن ما برای این طراحی نشده که تصمیمات زیادی را در زمان محدود بگیرد و این کار را چندین مرتبه در روز انجام دهد، من آدم خیلی باهوشی هستم سالها پیش می تونستم در چارت یک و دو دقیقه ای معامله کنم اما خیلی سخت بود و اصلا هم لذت نمی بردم و نسبت به معامله در چارت پنج دقیقه هم پول بیشتری در نمی آوردم ، چون خیلی کار سختی است و کم کم شانس انتخاب میکنید خصوصا بعد از یک یا دو ساعت معامله خسته می شوید و تمرکزتان کم می شود و وقتی شانس انتخاب میکنید معاملاتی را انجام میدهید که در ظاهر خوب هستند اما در واقع بدترین معاملات هستند. بازار به گونه ای طراحی شده که بیشترین درد و رنج را ایجاد می کند پس معاملاتی که خیلی ساده هستند معمولاً زیان آور می باشند و تصمیم گیری در زمان کم خیلی سخت است پس اگر چارت یک دقیقه را معامله می کنید تا قیمت پایانی فقط چند ثانیه وقت دارید که در مورد ورود به معامله تصمیم بگیرید.

۹۹ درصد از معامله گران موفق نمیتوانند این کار را انجام بدهند ، روزها بعد از روزها ، سالها بعد از سالها پس وب سایت هایی که این روش را تشویق می کنند به نظر عالی میرسد چون ریسک کم هست و بازدهی زیاد است. واقعیت این است که تعداد خیلی کمی از معامله گران می توانند در این کار موفق شوند یعنی به عنوان شغل منظورم این نیست که برای چند روز یا چند هفته و یا حتی ماه موفق باشند ، بلکه منظورم این است که برای ۱۰ سال ۲۰ سال و ۳۰ سال این کار را انجام بدهند به نظرم خیلی از معامله گران نمیتوانند این کار را بکنند و ارزش این را هم ندارد چون می توانید با روش های دیگر هم پول زیادی در بیاورید و از آن لذت ببرید.

روش جایگزین چی هست قبل از این که در چارت یک دقیقه ای معامله کنید ابتدا ثابت کنید که میتوانید به صورت مداوم در چارت ۵ دقیقه ای سودآور باشید. بعد از اینکه توانستید این کار را بکنید سعی کنید حجم معامله را افزایش بدهید و در نهایت با این روش می تواند پول بیشتری بدست بیاورید تا اینکه تایم فریم را کاهش و تعداد معاملات را افزایش بدهید برای اکثر افراد روزانه ۵ تا ۱۰ معامله بر روی

چارت ۵ دقیقه ای بسیار سودآورتر از این است که ۱۰ یا ۲۰ معامله در چارت یک دقیقه ای انجام بدهند. در حقیقت اگر سعی کنید چارت یک دقیقه ای را معامله کنید ضرر خواهید کرد.

اول از همه باید در انتخاب خود خیلی دقت کنید نگران نباشید که مثلاً بعضی از معامله گران در روز ۱۰ یا ۲۰ یا ۳۰ تا معامله انجام می دهند. اگر بتوانید یک تا سه تا از بهترین معاملات روز را انجام دهید آنگاه سودآور خواهید شد. چه معاملاتی بهترین هستند؟ در ادامه در یکی از جلسات در مورد بهترین معاملات صحبت میکنم.

وقتی به طور مداوم سودآور می شوید بهتر است که حجم معاملات خود را افزایش بدهید و نه تعداد معاملات را وقتی این توانایی را پیدا کردید که معاملات خوب را تشخیص دهید و به صورت مداوم سودآور باشید آنگاه اگر روی همان تعداد محدود تمرکز کنید نتیجه بهتری می گیرید. برای مثال اگر روزانه فقط ۱ واحد از ایمنی و ۱۰ سنت از اسپایدر سود کنید و روزانه هم ده قرارداد را معامله می کنید، آنگاه در طی یک سال می توانید ۱۰۰ هزار تا سود کنید اگر ۲۵ قرارداد معامله کنید در سال می شود ۵۰۰ هزار تا اگر صد قرارداد معامله کنید می شود یک میلیون دلار در سال اگر با صد قرارداد در روز چهار واحد سود کنید میشود چهار میلیون دلار در یک سال، پس درآمدتون قابل قیاس با ورزشکاران حرفه ای خواهد بود.

کلید رسیدن به پول این است که کاری که موسسات انجام می دهد را دنبال کنید و باید به خودتون بگید من اهمیت نمیدم، این خیلی مهم هست نباید به چیزی اهمیت بدهید، در هنگام معامله باید از احساسات دوری کنید. بسیاری از موسسات که به دنبال پیروی از آنها هستید، معاملات خود را از طریق کامپیوتر انجام میدهند شاید نیمی از حجم معاملات توسط برنامه های فرکانس بالا انجام می شود و شاید ۲۵ درصد دیگر از طریق سایر برنامه ها انجام می شود. تمام برنامه ها، متغیرها را در الگوریتم خود لحاظ میکنند و همه آنها بر پایه ریاضی هستند. احساسات یک نوع متغیر نیست. یعنی آنها بر اساس استرس و خستگی، نگرانی امید و یا آرزو معامله نمیکنند. پس آنها احساسات را لحاظ نمی کنند پس اگر احساساتی دارید و این احساسات بر تصمیمات معامله گری شما اثر می گذارد آنگاه شما مثل این برنامه ها معامله نمیکنید، پس پول درآوردن خیلی سخت خواهد شد. پس اگر نگرانید، امیدوارید، خسته اید و یا هر احساس دیگه ای دارید که روی قضاوت شما تاثیر می گذارد، آنگاه اصلاً معامله نکنید. باید به نقطه ای برسید که اصلاً اهمیت ندهید به هیچ چیز اهمیت ندهید. متوجه هستم که ما همیشه احساس

خواهیم داشت اما باید کاری کنید که روی تصمیمات شما تاثیر نگذارند بدین منظور می توانید یک کار خیلی مهم انجام بدهید و آن این است که حجم معامله آنقدر کم باشد که بهش اهمیتی ندهید. اگر اهمیت بدهید، آنگاه هدفمند نخواهید بود. اگر اهمیت بدهید دیگر از موسسات پیروی نمی کنید ، اگر اهمیت بدهید ضرر می کنید. اهمیت دادن شما به این معنی است که واقعا می خواهید سود کنید یا متنفرد که ضرر کنید یا از ضرر کردن می ترسید این حالت باعث میشه که ضرر کنید پس راه حل این است که حجم معامله کم باشد تا اگر ضرر کردید اهمیت ندهید. یا اگر سود کردید خیلی هیجان زده نشوید پس حجم معامله را کم کنید تا هدفمند بمانید و احساسات بر روی تصمیمات معامله گری و شما تاثیر نگذارند، مخصوصا روی مدیریت معاملات تاثیر نگذارند پس باید حجم معامله کم باشد که دیگر اهمیت ندهید.

آیا واقعا کسی میتونه با این کار به پول برسد؟ بله قطعاً می توانند این کار را بکنند اما همیشه سخت خواهد بود چون دارید در مقابل بهترین معامله گران دنیا معامله می کنید یعنی هر وقت که شما معامله می کنید، یکی از موسسات در طرف دیگر معامله است و شرط می بندد که شما اشتباه میکنید پس از برتری شما نسبت به آن ها کوچک خواهد بود پس باید خیلی منظم باشید و معاملات خود را به خوبی مدیریت کنید تا بتوانید در بلند مدت سود آور شوید، اما بعضی از افراد پول های زیادی در می آورند، پال راتر را سرچ کنید مثلاً ویکی پدیا را بخوانید و ببینید که یک معامله گر روزانه چقدر پول در می آورد . در اینجا چند تا لینک است فرض کنیم راتر و به عنوان معامله گر روزانه توانسته ۶۰ میلیون دلار سالیانه درآمد داشته باشد وی گاهی اوقات در یک ساعت صدها معامله انجام میداد. در بازار پول هم سعی میکرد که در هر معامله فقط چند تیک سود کند. پس وی معاملات فرکانس بالا را با دست انجام میداده و یعنی او معامله گر فرکانس بالا است که این معاملات را دستی انجام میدهد و خیلی هم در این کار موفق بود.

@SalarFakhr